



حسن میرعابدینی

فرهنگ دانشگاهیان نویسندگان ایران

از آغاز تا امروز

میرحابدینی، حسن، ۱۳۳۲
فرهنگ داستان‌نویسان ایران از آغاز تا امروز / حسن میرحابدینی؛
ویراستار کاظم فرهادی. - تهران: چشمه، ۱۳۸۶
۳۰۳ ص.

ISBN 978-964-362-362-3

چاپ قبلی: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فرهنگ کاوش: ۱۳۷۴
لهجریستویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص ۳۰۱ - ۳۰۳
۱. داستان‌نویسان ایرانی - قرن ۱۴ سرگذشته و کتابشناسی. ۲.
داستان‌های فارسی - قرن ۱۴ - کتابشناسی.
ع ۲ / الف ۲۳۳۶۹ / ۳۶۲۰۹ نا ۱۶/۸۸
۱۳۸۶
کتابخانه ملی ایران
۱۰۵۵۶۳۱

فرهنگ داستان‌نویسان ایران
از آغاز تا امروز
حسن میرحابدینی
ویراستار: کاظم فرهادی

حروفنگاری: دریچه‌ی کتاب
نمونه‌خوان: تاجماه ارشد
لیتوگرافی: مردمک
چاپ: حیدری
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
چاپ اول، پاییز ۱۳۸۶ تهران.
قیمت: ۵۰۰۰ تومان
ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است

Info@Cheshmeh.ir

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۲-۳۶۲-۳

دفتر مرکزی و فروش نشر چشمه: تهران، انقلاب، خیابان ابرو یحان بیهوشی، خیابان وحید
نظری، شماره ۷۱ تلفن: ۶۶۲۹۲۵۲۴ - ۶۶۲۹۱۲۵۵ - ۶۶۲۹۱۲۵۵ دورنگار: ۶۶۲۹۱۲۵۵
فروشگاه نشر چشمه: تهران، کریم‌خان زند، نیش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۱ تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶

مقدمه

به رو در روی صبح این کاروان خسته می‌خواند
کدامین بار کالا سوی منزلگه رسد آخر
که هشیار است، کی بیدار، کی بیمار؟
نیما یوشیج، «بخوان ای همسفر با من»

با وجود غنای سنت قصه‌گویی منظوم و منشور در ادبیات کلاسیک ایران، داستان‌نویسی نوین، مهاجری است که بیش از صد سال از اقامتش در این سرزمین نمی‌گذرد. البته این مدت در تاریخ ادبیات، دوران کوتاهی نیست؛ به‌خصوص که دوره مورد نظر، به دلیل تغییر و تحولات چشم‌گیر در حوزه جامعه، فرهنگ و ادبیات، از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر به حساب می‌آید.

در همین سال‌ها است که تأثیر برخورد مظاهر تجدد غرب با جامعه‌ای سنتی، به شکل بحرانی همه‌جانبه در سیاست و فرهنگ و ادبیات ایران بروز می‌یابد. بحرانی که به صعود طبقه متوسط و پیدایش روشنفکرانی می‌انجامد که اندیشه‌هایی اصلاح‌طلبانه دارند و برای بیان مقصود خود از شکل‌های تازه ادبی مثل گزارش‌های روزنامه‌ای، رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه استفاده می‌کنند. به واقع جامعه‌ای در

مسیر بیداری ملی، می‌کوشد با بهره‌گیری از این شکل‌ها، وضع خود را روشن کند و احتمالاً پاسخی برای سؤال‌های متعدّدش بیابد.^۱

عوامل ذهنی و عینی گوناگونی راه را برای پیدایش داستان‌نویسی ایران هموار کرد: خودآگاهی ملی، هویت یافتن ملت و اهمیت یافتن فرد و فردیت، جدایی هنرمند از حامیان درباری، تکیه کردن بر مخاطبانی از میان شهرنشینان، و در نتیجه به‌کارگیری زبانی ساده‌تر که به‌قول جمالزاده «عوام بفهمند و خواص بپسندند»، فراهم آمدن امکانات فنی چاپ کتاب و مطبوعات که گسترش آثار نوشته‌شده را امکان‌پذیر می‌کند.

ادبیات نوین ایران پدیده‌ای تاریخی و مرتبط با شکل‌گیری مناسبات اجتماعی و فرهنگی تازه است. فرهیختگان دوره مشروطه، «فن دراما و رمان را متضمّن فواید ملت و مرغوب طبایع خوانندگان»^۲ می‌دانستند و بر لزوم نوآوری در محتوا و شکلی ادبیات تأکید می‌کردند. اما نسل مشروطه‌خواه، نسلی سیاست‌پیشه بود و داستان‌واره‌هایی که نوشت به اقتضای گرایش‌های روحی نویسندگان و شرایط روز، بیشتر نقد اجتماعی و خطابه در مدح عدالت و آزادی بود. آخوندزاده، طالبوف، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا حبیب اصفهانی و زین‌العابدین مراغه‌ای می‌کوشیدند واقعیت را به زبانی ساده و طنزآمیز بیان کنند. آنان عمدتاً نقش اجتماعی ادبیات را در نظر داشتند و به ساختار ادبی و نقش زیبایی‌شناختی داستان توجه چندانی نداشتند. پس از فرو نشستن شور و شوق‌های مشروطه‌خواهی، نمونه‌هایی از رمان تاریخی و رمان زندگی شهری پدید آمد. حتی اگر از نظر ادبی ارج و قربی برای این نوع آثار قائل نشویم، نمی‌توانیم منکر ارزش فرهنگی آن‌ها — به عنوان حاصل نخستین تلاش‌ها برای پدید آوردن رمان به شیوه غربی — بشویم.

تا سال‌های ۱۳۰۰ شمسی، داستان‌نویسی به عنوان هنری قائم به ذات، هنوز

۱. کریستف بالائی، پیدایش رمان فارسی، ترجمه مهوش قریمی و نسرتین خطاط، انجمن ایرانشناسی فرانسه در تهران و انتشارات معین، ۱۳۷۷.

۲. میرزا فتحعلی آخوندزاده، تمهیدات، به‌کوشش باقر مؤمنی، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۴۹.

شان و اعتباری در خور نداشت. حتی سید محمدعلی جمالزاده، که مانند «خروس سحری» برآمدن داستان کوتاه واقع‌گرایانه را نوید داد، در مقدمهٔ یکی بود و یکی نبود نوشت: این داستان‌ها را «محض تفریح خاطر از مشاغل و تبعات جدی‌تر و به دست دادن نمونه‌ای از فارسی معمولی و متداولهٔ امروزه نوشته‌ام.» او در بیروت و پاریس درس خواند و داستان‌هایی نوشت که هر چند نشان‌دهندهٔ موقعیت و شرایط جامعهٔ ایرانی بود و ریشه در سنت ادبی بومی داشت، اما از شیوه‌های تازهٔ داستان‌نویسی جهان نیز تأثیر پذیرفته بود.

جمالزاده در حد فاصل دورهٔ مشروطه و دورهٔ معاصر قرار دارد؛ شباهت‌های ساختاری داستان‌هایش با آثاری چون سیاحت‌نامهٔ ابوالهیکم و سرگذشت حاجی بابای اصفهانی مؤید چنین نظری است.

با این‌که یکی بود و یکی نبود در ۱۳۰۰ منتشر شد، برای آن‌که بتوان از تکوین داستان‌نویسی جدید ایران سخن گفت، باید تا ۱۳۰۹ و انتشار نخستین داستان‌های صادق هدایت چشم به راه ماند. تا زمان انتشار سوف کور (۱۳۱۵)، رمان محمل سفرنامه‌نویسی، تاریخ‌نگاری یا خطابه و پند و اندرز بود. پس از این زمان است که جنبه‌های هنری رمان به عنوان یک فرم مستقل ادبی نیز اهمیت یافت. سوف کور رمانی نو و متر و معیاری برای دریافت میزان نوآوری نویسندگان پس از هدایت است.

همنسلان جست‌وجوگر هدایت با شور و شوق به هنر و ادبیات مدرن روی آورده بودند. اما سرنوشت‌شان به نحو عجیبی با سرنوشت راوی سوف کور پیوند خورد: او با اشتغال به هنر و نوشتن، به هستی خود معنا می‌بخشد اما پیرمرد خنزرپنزی — که شاید بتوان او را استعاره‌ای از قراردادهای رسوم سنگواره شده دانست — با درآوردن او به شکل خودش، روحش را می‌گشدد. جوان نقاش در پایان کتاب می‌گوید: «من پیرمرد خنزرپنزی شده بودم.» و زیده روشنفکران عصر رضاشاه برای این‌که چنین استحاله‌ای را از سر نگذرانند یا گنج عزلت گزیدند و به درون مهاجرت کردند، یا مانند علوی روانهٔ محبس شدند و یا همچون هدایت، جهانگیر جلیلی و رضا کمال شهرزاد خودکشی کردند.

پس از شهریور ۱۳۲۰ و فرارسیدن دوره کوتاه «دموکراسی ناقص»، بخش عمده‌ای از نیروی روشنفکری صرف تحرّیب و روزنامه‌نگاری می‌شود. تلاش برای پاسخ‌گویی به نیازهای جنبش، فرصتی برای رمان‌نویسی باقی نمی‌گذارد، به‌خصوص که مجلات روشنفکرانه - مثل سخن، مردم و پیام نو - خواهان داستان کوتاه بودند. نویسندگانی که در پی جمالزاده، هدایت و علوی از راه می‌رسند، داستان کوتاه را به یک شکل ادبی معتبر در ایران تبدیل می‌کنند: صادق چوبک، جلال آل احمد و ابراهیم گلستان با نگرستن از دریچه دید هدایت به زندگی و ادبیات، کار خود را شروع می‌کنند، اما به زودی هریک صدای خاص خود را می‌یابند.

به تدریج سنتی ادبی شکل می‌گیرد که نویسندگان برجسته‌ای مانند غلامحسین ساعدی، بهرام صادقی، سیمین دانشور، هوشنگ گلشیری، احمد محمود و محمود دولت‌آبادی بر بستر آن رشد می‌کنند و هریک جهان داستانی خاص خود را به موازات یا در تقابل با جهان واقعی بنا می‌کنند. تلاش داستان‌نویسان ایرانی برای تلفیق هنرمندانه شگردهای جدید داستان‌نویسی جهان با باورهای بومی و هویت ایرانی، دهه ۵۰-۱۳۴۰ را به یکی از بارورترین دوره‌های ادبی ایران تبدیل می‌کند. اگر در دهه‌های پیشین هدایت تنها بود، در این سال‌ها نویسندگان متعددی نوشتن را به عنوان سرنوشت خود برمی‌گزینند.

کارهای برتر هدایت، ساعدی، صادق، گلشیری و دولت‌آبادی را می‌توان نقطه اتصال داستان‌نویسان پیشین با نویسندگان جوانی دانست که نخستین جلوه‌های خلاقیت ادبی‌شان در دهه ۱۳۶۰ پدیدار می‌شود. در این دهه، داستان‌نویسی ایران دو چهره راه‌گشای خود - صادقی و ساعدی - را از دست می‌دهد. مرگی که می‌تواند معنایی استعاره‌ای بیابد: نسلی می‌رود و نسل تازه‌ای بار امانت را بر دوش می‌گیرد؛ نسلی که می‌خواهد «متفاوت» بنویسد و با رمان و داستان کوتاه به پژوهش در ابعاد هر دم به رنگی در آینده واقعیت بپردازد؛ و از طریق تجربه کردن فرم به شناختی تازه از واقعیت برسد.

در دو دههٔ پس از انقلاب با داستان‌نویسان متعددی مواجه می‌شویم که با برگزیدن شیوه‌های گوناگون نوشتن می‌کوشند خود را از دیگران متمایز سازند و با نوآوری‌های‌شان سنت داستان‌نویسی ایران را غنا بخشند. «این‌که آنان چه نقشی را در ادبیات داستانی ایران ایفا خواهند کرد، گذشت زمان آشکار می‌کند. آیا از چنان اراده، صبر و جنونی برخوردارند که نوشتن را به عنوان سرنوشت خویش برگزینند و نویسندگانی حقیقی شوند؟ یا این‌که نیروی آفرینندگی‌شان حاصل شور جوانی و خاص مرحله‌ای از زندگی‌شان است و بعدها در کشاکش ضرورت‌های زندگی روزمره از بین می‌رود؟»^۱

۲

از زمان پیدایش نخستین نمونه‌های ادبیات داستانی جدید ایران تا امروز نویسندگان و مؤلفان بسیاری در این زمینه طبع آزموده‌اند؛ و آثار متعددی پدید آورده‌اند که پژوهش در آن‌ها روشنگر نکته‌های جالبی دربارهٔ ادبیات، روان‌شناسی اجتماعی و تاریخ و فرهنگ معاصر است.

در سال‌های پس از انقلاب، در حد فاصل پایان یک دورهٔ فرهنگی و آغاز دوره‌ای دیگر، نوشته‌هایی در زمینهٔ ارزیابی داستان‌نویسی ایران و تعیین حدود این جنبش ادبی و رویکردها و هدف‌های آن منتشر شده است. اما هنوز زمینه‌های بسیاری برای کار و تحقیق وجود دارد.

با توجه به این‌که فرهنگ‌نامه‌ها و کتاب‌شناسی‌های اختصاصی در هر موضوع، از کلیدهای تحقیق در آن موضوع به شمار می‌آیند، تهیهٔ فرهنگ‌هایی از داستان‌نویسان، نمایشنامه‌نویسان، شاعران، مترجمان و جستارنویسان و منتقدان، به عنوان گام‌های اولیهٔ تحقیقی جامع دربارهٔ ادبیات معاصر ایران ضروری است. تهیهٔ چنین

۱. حسن میرعابدینی، صدسال داستان‌نویسی ایران، جلد ۴، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۳، ص ۱۵۰۰.

فرهنگ‌هایی، هم حجم کار انجام شده را می‌نمایاند و هم تحقیق در چند و چون آثار انتشار یافته را آسان می‌کند.

در کتاب حاضر، که به داستان‌نویسان ایرانی اختصاص یافته، پس از اطلاعاتی درباره زندگی نویسندگان، فهرست و مشخصات آثار داستانی آن‌ها ارائه شده است. به نمایشنامه‌ها یا مجموعه مقالات یا ترجمه‌های داستان‌نویسان اشاره‌ای کرده‌ایم تا دامنه فعالیت ادبی‌شان را نشان دهیم، اما مقید به ضبط مشخصات کامل آن‌ها نبوده‌ایم. ناگفته نماند که نویسندگان داستان کودکان به این فرهنگ راه نیافته‌اند مگر کسانی که بر ادبیات بزرگسالان تأثیر نهاده‌اند.

به نویسندگان ایرانی مهاجر نیز پرداخته‌ایم، مگر این‌که تا ۱۳۸۰ کتاب داستانی در ایران منتشر کرده باشند. زندگی‌نامه و فهرست آثار نویسندگان افغانی که آثار خود را به زبان فارسی در ایران منتشر کرده‌اند — و در ایران زیسته‌اند — در این فرهنگ ثبت شده است.

البته با توجه به گستردگی دامنه داستان‌نویسی ایران در دوره مورد بررسی، و ناقص و مغلوط بودن کتاب‌شناسی‌های موجود در زمینه شناسایی و طبقه‌بندی کتاب‌ها، و نایاب بودن بعضی از آثار، دستیابی به نام و نشان تمامی نویسندگان و آثار پدید آمده بسیار مشکل است. از این رو، با توجه به پراکندگی و قلت اطلاعات درباره زندگی نویسندگان، نمی‌توان ادعا کرد که زندگی‌نامه‌ها کامل است. اما کوشیده‌ایم که نام و سال اولین چاپ اثر، و در صورت امکان شرح حال هر کس که مدعی نوشتن داستان بوده است، در این کتاب بیاید. نویسندگانی هم بوده‌اند که داستان‌های کوتاه و بلندی در مجلات چاپ کرده‌اند، و چون این آثار به شکل کتاب درنیامده است، در این فرهنگ مطرح نشده‌اند.

فرهنگ داستان‌نویسان ایران در برگیرنده مشخصات آثار و زندگی‌نامه نویسندگان ایرانی از نخستین کوشش‌ها برای آفرینش ادبیات جدید (دهه ۱۲۷۰ ه.ش.) تا دهه ۱۳۸۰ است. از این رو، ملزم به ثبت زندگی‌نامه و فهرست آثار نویسندگانی که نخستین

اثر خود را پس از ۱۳۸۰ منتشر کرده‌اند، نبوده‌ایم. اما در مورد نویسندگان راه یافته به این کتاب، کوشیده‌ایم آخرین اطلاعات — مثلاً فهرست آثار تا پایان ۱۳۸۳ — را گرد آوریم.

اطلاعات را از منابع گوناگون و پراکنده گردآوری کرده‌ایم؛ مراجعه به کتاب‌های داستانی، نامه‌نگاری با نویسندگان، کتاب‌شناسی‌های عام و اختصاصی، فهرست‌های ناشران، مقالات و خبرهای مجلات و روزنامه‌ها و مانند آن‌ها.

امید است نویسندگانی که زندگی‌نامه‌شان کامل نیست یا نام اثری از آثارشان در این فرهنگ ثبت نشده است، یا اطلاعاتی درباره نویسندگان دیگر دارند، با ارسال نامه به نشانی ناشر، ما را در اصلاح و تکمیل این کتاب در چاپ‌های بعدی یاری کنند.

۳

لازم می‌دانم از نویسندگانی که زندگی‌نامه خود را برایم فرستادند، تشکر کنم. هم‌چنین سپاسگزار محبت دوستانی هستم که در تهیه منابع یا گردآوری زندگی‌نامه‌ها از هیچ کمکی دریغ نکردند: حسن اصغری، فرید امین‌الاسلام، محمد ایوبی، ابراهیم حسن بیگی، مرحوم بابا حیدرزاده، هادی خورشاهیان، علی صدیقی، محسن فرجی، محمدرضا گودرزی، محمود معتقدی، مهندس مختاری‌فر.

بدیهی است که مسئولیت هر خطا یا کم و کاستی به عهده راقم این سطور است. ضرورت دارد از آقایان حسن کیانیان و کاظم فرهادی — مدیر و ویراستار نشر چشمه — به دلیل کوشش آنان برای ارائه چاپی منقح از این اثر، تشکر کنم.

ح ۴۰

۱۳۸۴